

بررسی و تحلیل کهن‌الگوی «آب» در کلیله‌ودمنه

سمیه حدادیان^۱، علی حیدری^۲، قاسم صحرائی^۳

^۱دکتر گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران

^۲استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران

^۳دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان، ایران

نویسنده مسئول: somaye_hadadiyan@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۳ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۲

چکیده

آب، یکی از عناصر شگفت‌انگیز و ضروری در طبیعت است که همواره مورد توجه اقوام و ملت‌های مختلف بوده و هست. هندوان و ایرانیان باستان نیز آب را بسیار گرامی داشته‌اند و اسطوره‌های فراوانی پیرامون آن شکل داده‌اند. کتاب کلیله‌ودمنه که منشأ هندی دارد و بعدها به زبان فارسی نیز ترجمه شده است، سرشار از این اسطوره‌ها و افسانه‌ها است. در این پژوهش به روش استقرایی و با توجه به منبع قرار دادن یافته‌های کارل گوستاو یونگ (Carl Gustav Jung) روان‌پزشک سوئیسی و دیگر پژوهشگران در این زمینه، سعی شده است ویژگی‌های کهن‌الگوی آب را ذکر و جایگاه آن را در نزد اقوام مختلف بیان نماییم. سپس مواردی را که در کتاب کلیله‌ودمنه می‌توانند کهن‌الگو قلمداد شوند، ذکر نموده‌ایم. پس از بررسی‌های انجام شده از بین ویژگی‌های ذکر شده برای آب چهار مورد از آن را در کتاب کلیله‌ودمنه پیدا نمودیم که جنبه کهن‌الگویی دارند و شامل مواردی چون: (۱) آب رمز حیات (۲) آب رمز مرگ و ممت (۳) عبور از رود تصور سمبولیک یک تغییر رویه (۴) غوطه‌وری در آب رمزی از تجدید حیات، می‌باشند.

کلیدواژه: کهن‌الگو، آب، کلیله‌ودمنه، کارل گوستاو یونگ

۱. مقدمه

کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵-۱۹۶۱) روان‌کاو و روان‌پزشک سوئیسی و خالق نظریه کهن‌الگوهاست. آثار متعددی او تأثیر عظیمی بر آراء و افکار بسیاری از دانشمندان و پژوهشگران گذاشته است. نظریه پردازان روان‌شناسی او را «روان‌شناسی تحلیلی» نامیده‌اند. (ن. ک. یونگ، ۱۳۷۷: ۷) یونگ شخصیت انسان را مرکب از چند سیستم روانی می‌داند که شامل: من یا ناخودآگاه، ناخودآگاه فردی، ناخودآگاه جمعی با مفاهیم و تصورات و الگوهای کهن، پرسونا، آنیما، آنیموس و سایه، می‌شود. (ن. ک. همان: ۹) از نظر جانسون کهن‌الگوها یا صورت‌های مثالی، الگوهای درونی تصمیم‌گیری شده وجود، رفتار، درک و پاسخ هستند. کهن‌الگوها الگوهای بنیادی در انسانند، که تمامی رفتارهای ما، نحوه ادراک و پاسخ‌های ما نسبت به رویدادهای دنیای پیرامون، هم‌چنین انتخاب‌های ما در فرایند زندگی، در چارچوب این الگوهای بنیادین صورت می‌پذیرد. لیکن آرکی‌تایپ به خودی خود تهی و کاملاً ظاهری است، چیزی نیست جز یک امکان از «تجلی ذهنی» که دارای اصل و بنیانی پیشین است. آرکی‌تایپ‌ها میراث روانی بشریت به شمار می‌روند؛ الگوهایی که انسان‌ها از صد هزار سال پیش، نسل در نسل با آن‌ها زندگی کرده‌اند و به مرور از طریق ناخودآگاه جمعی به نسل‌های بعدی انتقال یافته‌است. اما آن‌چه موروثی است فقط قالب‌های آرکی‌تایپی است و نه نحوه زندگی کردن آن‌ها به وسیله انسان‌های پیشین. (ن. ک. جانسون، ۱۳۸۸: ۱۳) کتاب کلیله‌ودمنه نیز که سرشار از مفاهیم اساطیری است و بسیاری از آن‌ها منطبق با ناخودآگاه جمعی مردم سرزمین ایران است، زیرا اساطیر مشترک بین هند و ایران پس از جدایی این دو قوم از یکدیگر، هم‌چنان در حکایات دو قوم به چشم می‌آید. بنابراین یکی از علل گرایش و توجه ایرانیان به حکایات کلیله‌ودمنه، افزون بر انشای هنرمندانه منشی، می‌توان وجود اسطوره‌هایی دانست که در ناخودآگاه جامعه مخاطبان ایرانی جذاب است و دیگر این‌که بسیاری از اساطیر در فرآیندی زمانی که در آن به پیش می‌روند، با اعتقادات و حکایات مردمان هر دوره تغییر می‌کنند. اساطیر نمادین کلیله‌ودمنه نیز از این لحاظ مستثنی نبوده‌اند و احتمالاً بسیاری از آن مفاهیم در ترجمه‌ها و بازگفت‌های آن تا بدین‌جا با اساطیر ایرانی و شاید سامی آمیخته شده باشد. (ن. ک. سام خانپانی، ملک پایین، ۱۳۹۱: ۲۴) بنابراین هدف ما در این پژوهش بررسی و تحلیل کهن‌الگوی «آب» در کلیله‌ودمنه می‌باشد، اما با توجه به گستردگی مفهوم این کهن‌الگو در باور و اعتقادات مردم ملل مختلف و جایگاه آن نزد اقوام مختلف نمی‌توان تمامی این اعتقادات و باورهای موجود را در قالب یک پژوهش جمع-

آوری، طبقه‌بندی و تحلیل نمود، لذا در این پژوهش سعی شده‌است، مواردی از این کهن‌الگو را که در کلیله‌و‌دمنه وجود دارد مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم.

۱-۱- بیان مسأله

روان‌شناسان و پژوهشگران فراوانی پیرامون مبحث «آرکی‌تایپ یا کهن‌الگو» اظهار نظر کرده‌اند و آن را در آثار مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. از نظر آبرامز «کهن‌الگو به شیوه‌های روایی مکرر، الگوهای عمل‌داستانی و شخصیت‌های سنخ‌نما اطلاق می‌گردد.» (آبرامز، ۱۳۸۷: ذیل مدخل «کهن‌الگو») از نظر جانسون نیز: آرکی‌تایپ یک مفهوم مرکزی ثابت است که اصولاً می‌توان به آن نامی داد لیکن فقط اصولاً و نه هرگز به صورتی که واقعاً تجلی می‌کند. این کهن‌الگوها تا جایی صورالزی هستند که مختص به یک گونه خاص باشند و چنان‌چه مبدأیی داشته‌باشند، این مبدأ می‌باید دست‌کم با آغاز پیدایش آن نوع مقارن باشد. یونگ کهن‌الگوها را «انسان‌گونه‌گی» می‌نامد، یعنی آن قالب خاصی که رفتار انسان به خود می‌گیرد. آن‌چه موروثی است همین قالب خاص است. در هر روان‌قالب‌هایی وجود دارند که ناخودآگاه، اما فعال‌اند. (ن. ک. جانسون، ۱۳۸۸: ۱۳-۱۴) کمپل نیز کهن‌الگوها را اشکال و تصاویری برخواسته از ذات‌جمعی می‌داند که عملاً در تمام جهان اجزای تشکیل‌دهنده‌ی اسطوره‌ها می‌باشند و در عین حال نتایج فردی و طبیعی برخواسته از ناخودآگاه‌اند. (ن. ک. کمپل، ۱۳۸۹: ۲۸) یونگ معتقد است: «کهن‌الگوها را باید با توجه به مجموعه وضع زندگی شخصی که با آن صورت پیوند یافته، توجیه کرد.» (یونگ، ۱۳۵۲: ۱۴۶) کهن‌الگوها در کتب ادبی بازتاب فراوانی دارند؛ بنابراین در برخی از کتب نقدادبی به دسته‌بندی آن پرداخته‌اند و مبحث آرکی‌تایپ‌ها را به دو بخش تصاویر کهن‌الگویی (images) و مایه‌های (motifs) کهن‌الگویی تقسیم کرده‌اند. تصاویر کهن‌الگویی اموری چون آب (دریا، رود)، خورشید (آتش، آسمان)، رنگ‌ها دایره، اعداد، باغ، بیابان و نظایر آن است که هر کدام دلالت‌های اساطیری خاصی دارند. موتیف‌های کهن‌الگویی اموری چون جاودانگی و خلقت و جست‌وجو و نظایر آن است. (ن. ک. شمیسا، ۱۳۹۳: ۳۰۴) لذا، مسائل بنیادی و فطری حیات بشری چون: تولد، رشد، عشق، خانواده، مرگ، تضاد بین فرزندان و والدین، رقابت دو برادر جنبه کهن‌الگویی دارند. برخی از سنخ‌های شخصیتی هم جنبه کهن‌الگویی دارند مثلاً تیپ یاغی، عاشق‌پیشه، قهرمان، شکست‌ناپذیر، هالو، خودساخته، از خود راضی، خائن و... جانوران هم می‌توانند رمزهای آرکی‌تایپی باشند مثلاً شیر، عقاب، مار، خرگوش و... به این لیست این کهن‌الگوها را نیز می‌توان افزود: باغ بهشت، گل سرخ، مضامینی چون جست‌وجوی بی‌پایان، رفتن به جهان مردگان، انتقام، تفوق بر مشکلات، مناسک بارآوری و نجات بخشی (همان: ۴۵۵). نموده‌های جامع‌تر آرکی‌تایپ‌ها شامل: مادر، پدر، کودک، دختر باکره، فرمانروا، کاهن، درمانگر، آموزگار، چهار صورت نوعی اساسی نرینه و مادینه - مرد یا زنی که جذابیت جسمی یا جنسی دارد، زن عاشق‌کش و مرد عاشق‌پیشه - مرد پر تکاپو در جهان، پیرمرد و پیرزن خردمند می‌باشند که برخی از چهره‌های کهن‌الگویی هستند. غار، کوه، شب و آتش نیز برخی از مکان‌های کهن‌الگویی می‌باشند. (ن. ک. سرمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۴) حضور آب به عنوان اساس آفرینش و نخستین آفریده، نه تنها در اساطیر و باورها، بلکه در بین فلاسفه و اندیشمندان نیز مطرح بوده‌است. از جمله تالس، آرخی، (اصل و اساس پدیده‌ها) را آب تلقی کرده‌اند. (ن. ک. ضمیران، ۱۳۸۹: ۱۲۴) اصالت و نقشی که در آفرینش به آب داده‌اند، به‌خاطر اهمیت و حیات‌بخشی آن و تأثیری است که در زندگی و مرگ موجودات دارد. با توجه به پیوندی که آب با حیات دارد، همواره نماد زندگی و تجدید حیات بوده‌است. پاک‌کنندگی عنصر آب نیز آن را با پاکی و رستگاری و تولد دوباره روح، مرتبط کرده‌است. بنا بر نظر گرین نیز آب و تجلیات آن (دریا، رود، چشمه) از کهن‌الگوهای شناخته شده‌ای هستند که بر مفاهیمی چون تولد، مرگ و رستاخیز، تطهیر و رستگاری، رمز و راز روحانی و بی‌کرانگی، بی‌زمانی و ابدیت و ضمیرناهیسیار دلالت می‌کنند. (ن. ک. گرین و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۶۲) بنابراین پس از بررسی معنی و ریشه کهن‌الگو و آشنایی مختصری با کهن‌الگوی آب، در ادامه به بررسی بیش‌تری از این کهن‌الگو پرداخته، هم‌چنین نشان داده‌خواهد شد که این کهن‌الگو در ادبیات اقوام مختلف چه جایگاهی دارد و چگونه مطرح شده‌است. در پایان نیز نمونه‌هایی از کهن‌الگوی آب در کلیله‌و‌دمنه که با ویژگی‌های مطرح در روان‌شناسی یونگ و دیگر روان‌پزشکان مطابقت دارد، بررسی شده و آمار کلی این کهن‌الگو در قالب یک جدول رسم شده‌است.

۲-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

یکی از محورهای بنیادی مطالعات ادبی امروز مبحث کهن‌الگوهاست. کهن‌الگوها می‌تواند معیاری برای بررسی برخی از متون ادبی باشد و یکی از بهترین عرصه‌ها برای تجلی کهن‌الگوهای قومی، متون تعلیمی است. بنابراین کلیله‌و‌دمنه، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین متون نثر تعلیمی فرهنگ هندوان و ایرانیان می‌تواند از این زاویه نیز مورد بررسی قرار گیرد. لذا از مهم‌ترین اهداف این پژوهش نشان دادن وجوه اشتراکات و تشابهات مطرح‌شده در متون کلاسیک ادبیات فارسی با نظریه‌های نوین روان‌شناسی امروزی است.

۱-۳- پیشینه تحقیق

با توجه به این‌که «آب» یکی از مفاهیم اساسی و حیاتی در زندگی بشر به شمار می‌رود، بنابراین پیرامون آن پژوهش‌ها و تحقیقات فراوانی صورت گرفته‌است. از جمله پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته می‌توان به: «کهن‌نمونه آب و کارکرد آن در اسطوره و حماسه» از: شریفیان و اتونی، ۱۳۹۰: ۱۳۰-۱۰۷، «بررسی تطبیقی اسطوره آب در اساطیر ایران و هند» از: بارانی و خانی سومار، ۱۳۹۲: ۷-۲۶، «بررسی و تحلیل بازتاب اساطیری آب در

شاهنامه فردوسی» از: اسحاق طغیانی، رحمان قربانی، ۱۳۹۰: ۶۹-۸۶، «بررسی کهن‌الگوی آب و درخت در شعر طاهره صفارزاده» از: ناصر نیکوبخت، سعید بزرگ بیگدلی، حسینعلی قبادی و صغری سلمانی‌نژاد مهرآبادی، ۱۳۹۴: ۱۳۵-۱۶۴ و «همنشینی آب، گیاه و نظرگاه به دنبال کهن‌الگوی باغ ایرانی» از: وحید حیدرنجاج، اسحق رضازاده، ۱۳۹۴: ۴۸-۵۵، اشاره کرد. اما با تحقیقات انجام شده به طور ویژه در حوزه تحلیل کهن‌الگوی «آب» در کلیله و دمنه تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- معرفی کهن‌الگوی آب

به طور کلی می‌توان معنای نمادین آب را در سه مضمون اصلی تقسیم‌بندی کرد: (۱) چشمه حیات (۲) وسیله تزکیه (۳) مرکز زندگی دوباره. (ن. ک. شوالیه و گربران، ۱۳۷۹: ۳) آب در اساطیر جایگاهی ویژه‌ای دارد به خاطر نقشی که در حیات گیاهان، حیوانات و انسان داشته، شایان توجه و گاه پرستش بوده است. مفهوم آب و حالت‌های مختلفی که در عالم خارج برای آن قابل تصور است می‌تواند در مفاهیم و معناهای مختلفی ظاهر شود. گاه می‌توان آب را چون بسیاری از نمادها، بر بستر دو زمینه کاملاً متضاد نگریست که از هیچ یک از آنها نمی‌توان چشم پوشید. آب سرچشمه زندگی و مرگ است، خلقتی است و نابودگر. (همان: ۸) آب به صورت‌های دریا و رودخانه نیز نمایان می‌شود که در این صورت مفهوم بی‌کرائگی و جاودانگی شدن را شامل می‌شود. هم‌چنین رودخانه و حرکت آن به سوی دریا بیان‌گر «جریان زمان به سوی ابدیت» است در حالی که نوعی تلاش و تکاپو برای زنده ماندن را هم نشان می‌دهد. البته همواره لفظ آب بر این مفاهیم دلالت نمی‌کند؛ اما آن‌جا که به عنوان یک کهن‌الگو در نظر گرفته شود به گونه برجسته‌ای مثبت تداعی می‌شود. آب مظهر خدایان نیز قرار می‌گیرد و در بین الهه‌های ایرانی آناهیتا، میترا و ناهید با آب ارتباط نزدیکی دارند؛ آن‌گاه که با تصویر رود ارائه می‌شود، چرخه زندگی را هم نشان می‌دهد که نتیجه حضور در نوعی چرخه حیات از بخار شدن آب، باریدن باران و برگشت آب به دامنه وسیع طبیعت است. در اساطیر ملل هم آب به ویژه به صورت دریا از جایگاهی ویژه برخوردار است. اقوام متعددی، آب را سرچشمه فیض و برکت و طهارت و پاکی می‌دانند. افکنده شدن پهلوئانان و قهرمانان و گاه نیمه خدایان در دوران کودکی در آب نیز بر اهمیت این عنصر می‌افزاید. (ن. ک. نیکوبخت و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۸-۱۴۹) آب با آغاز خلقت مرتبط است. انسان و سایر حیوانات از نطفه که از جنس آب است، آفریده می‌شوند. (همان: ۱۵۱) شوالیه نیز آب را نماد نیروهای ناخودآگاه می‌داند. (ن. ک. شوالیه، گربران، ۱۳۷۹: ۲۴) شمیسا دریا و اقیانوس را نیز که از تجلیات آب به شمار می‌روند، رمز ناخودآگاهی می‌داند. (ن. ک. شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۶۰) از نظر او چشمه و آب رمز خودآگاهی و دانش است. چشمه سمبل مرکز و منشأ است. چشمه، تصویری از روح به عنوان منشأ زندگی درونی و انرژی روانی است. هم‌چنین می‌توان چشمه را به دوران طفولیت مربوط دانست که در آن ارتباط با ناخودآگاه قوی‌تر است. نیاز به این چشمه وقتی قوت می‌گیرد که زندگی فرد در معرض خشک شدن قرار گرفته باشد. (همان: ۱۷۰) از نظر الیاده آب سرچشمه و منشأ و زهدان همه امکانات هستی است. آب مبدأ هر چیز نامتمایز و بالقوه و تجلی کائنات و مخزن همه جرثومه‌هاست؛ رمز جوهر آغازین و اولی است که همه صور از آن زاده می‌شوند و بدان بازمی‌گردند. هر غوطه‌وری، برابر با انحلال و اضمحلال صورت و استقرار مجدد حالت نامعین مقدم بر وجود است و خروج از آب، تکرار عمل تجلی صورت در آفرینش کیهان. (ن. ک. الیاده، ۱۳۸۴: ۱۸۹) از نظر گرین آب در صورت انبوه خود یعنی «دریا» نیز مفاهیم زیبایی را بیان می‌کند. دریا مادر کل حیات، رمز و راز روحانی و بیکرائگی، مرگ و تولد دوباره، بی‌زمانی و ابدیت و ضمیر ناهشیار است. (ن. ک. گرین و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۶۲) «در علم اساطیر، باران غالباً «اتحاد عشقی» میان آسمان و زمین شناخته می‌شد. باران نماینده یک راه‌حل به معنی لغوی کلمه است.» (یونگ، ۱۳۵۲: ۴۵۷) از نظر اسماعیل پور آب دو جنبه اساطیری دارد: (۱) دریا: مادر همه حیات، راز معنوی و بی‌کرانه‌گی، مرگ و حیات مجدد، بی‌زمانی و ابدیت، ضمیر ناخودآگاه (۲) رودخانه: نماد مرگ و حیات مجدد، جریان زمان در ابدیت، مراحل انتقالی چرخه حیات و حلول نیمه‌خدایان. چشمه نماد حیات بی‌مرگی و طول عمر و جوانی جاوید یا سرچشمه علم و معرفت و رمز تجدید حیات و تصفیه باطن است. چشمه، سرچشمه حیات و بی‌مرگی و طول عمر و جوانی جاوید یا سرچشمه علم و معرفت و رمز تجدید حیات و تصفیه باطن است. (م. ک. اسماعیل پور، ۱۳۸۷: ۲۰) آب‌ها نماد مادر کبیر هستند. آب‌ها نداعی کننده رطوبت، حرکت دورانی خون و شیره حیات هستند و با خشکی و ایستایی مرگ در تضاد هستند. (ن. ک. کوپر، ۱۳۷۹: ۱) از نظر شوالیه شناور شدن در آب برای خروج از آن نیز معنا و مفهوم خاصی دارد و به معنی بازگشت به مبدأ است. (ن. ک. شوالیه، گربران، ۱۳۷۹: ۳)

۲-۲- آب در نزد اقوام و ملل مختلف

آب یکی از بن‌مایه‌های اساطیری مهم جهانی به شمار می‌رود و بازتاب آن را در افسانه و حماسه و داستان‌های بسیاری از ملل می‌توان مشاهده کرد. مردمان قدیم همه پدیده‌های طبیعی را زنده می‌پنداشتند و درباره آن‌ها داستان‌ها و اسطوره‌ها می‌ساختند. نخستین داستانی که در مورد آب به دست ما رسیده، از تمدن سومری و متعلق به ۴۵۰۰ سال پیش است. در این اسطوره، از جهانی سخن می‌رود که از آب ساخته شده است. (ن. ک. قرشی، ۱۳۸۰: ۴۷-۴۸) در نزد یونانیان، اعتقاد بر این بود که دنیا یک صفحه گرد است که دریا آن را به دو نیم کرده است و یک رودخانه بزرگ به نام اوسه آن (ocean) یا اقیانوس که هیچ باد و طوفانی آن را به تلاطم در نمی‌آورد، دورتادور زمین را دور می‌زند. (ن. ک. همیلتون، ۱۳۸۷: ۸۸) هم‌چنین بر اساس اعتقادات آنان، زئوس، نازل‌کننده باران است. (ن. ک. ناس، ۱۳۸۲: ۷۹-۸۰) در اسطوره‌های روم، قربانی برای رود مرسوم بود. از جمله مراسم آیینی، قربانی کردن هفت عروسک حصیری در رود تیبر است که به نظر می‌رسد جایگزین قربانی‌های انسانی شده است. (ن. ک. پرون، ۱۳۸۱: ۷۰) شوالیه معتقد است آب در

آسیا، شکل جوهری ظهور، اصل حیات و عنصر تولد دوباره جسمانی و روحانی است؛ نماد باروری، خلوص، حکمت، برکت و فضیلت است. (ن. ک. شوالیه، گبران، ۱۳۷۹: ۴) چینیان می‌گویند آب «وو - جی» است، یعنی بی عمل، هرج‌ومرج و بی تمایزی اولیه. آب نشانه کل امکانات ظهور است و به دو قسمت آب زبرین که به امکانات بی شکل مرتبط است و آب زبرین که امکانات دارای شکل را در برمی‌گیرد، تقسیم می‌شود (همان: ۵). بنابر برخی سنت‌های اقوام ترک در آسیای میانه، آب مادر اسب است. (همان: ۲۲) آب در آیین زردشتی نیز معنای خاصی دارد. آب در این آیین یکی از چهار عنصر سازنده جهان است که پس از آسمان نخستین آفریده مادی توسط اهورامزداست. (ن. ک. بهار، ۱۳۷۶: ۳۷) در اسطوره‌ها، باران نیز نقشی چون آب دارد و برای آن، خدایی قائل بوده و داستان‌ها آفریده‌اند. خدای باران، تیشتر است. درباره تیشتر یکی از ایزدان ایرانی که یشت هشتم اوستا متعلق به اوست، گفته می‌شود: تیشتر سرشت آب دارد. (همان: ۶۱) زرتشتیان معتقدند که نطفه‌های منجیان سه‌گانه آن‌ها در آب نگهداری می‌شود تا ظهور کنند. اعتقاد به امانت آب در حفظ نطفه زرتشت نیز در موازات اعتقاد به وجود آب حیات بوده‌است. (ن. ک. مختاری، ۱۳۶۹: ۳۰۰) در اسطوره‌های بین‌النهرین، آب، عنصری ازلی است. از آمیزش آب شیرین (اپسو) و شوراب (تیامت)، همه آفریدگان پدید می‌آیند که در رأس آنان، ایزدان‌اند. اپسو - مگاکي پر از آب، که گرد زمین را فرا گرفته - را با اقیانوس یونانیان، می‌توان سنجید که هومر نیز او را پدر همه چیز خوانده‌است. تیامت دریا بود و به گونه عنصری زنانه، جهان را زاد. (ن. ک. ژیران و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۸-۶۰) در اساطیر بابل، «ئا» ایزد آب‌هاست و نام این ایزد به معنی «خانه آب» است. حوزه او، اپسو - گستره آب‌های تازه که زمین روی آن شناور است - بود. هنگامی که آب‌های اپسو، فراوانی و شادمانی را بر زمین گستراند، خود او نیز سرچشمه کل دانش و خرد به شمار آمد. ائا حتی گاهی آفریننده انسان نیز به شمار می‌آمد. مردوک، بزرگ‌ترین فرزند ائا، از اپسو فراز آمد. (همان: ۶۸-۶۹) به روایت رساله‌های براهمانا درباره آفرینش، مانو (نخستین انسان فرزانه‌ای که بعد از انحلال بزرگ جهان در عصر پیش زنده می‌ماند) نخست اقیانوس آغازین را هستی بخشید. هم‌چنین پرجاپتی (خدای آفرینش در آیین ودایی) از اقیانوس آغازین برخاست و از سرشک او فضای میانه پدید آمد. از سرشکی که در اقیانوس افتاد، هستی شکل گرفت و از سرشکی که رو به بالا جست، آسمان پدیدار شد. (ن. ک. ایونس، ۱۳۸۱: ۵۱-۵۰) هم‌چنین در دیگر متون هندی آمده که همه جا آب بود، آب گسترده و بی‌کناره. تخم جهان را بر سطح آب‌ها گذاشتند. (ن. ک. شوالیه، گبران، ۱۳۷۹: ۴) در ریگ ودا آب زندگی‌بخش، نیروبخش و مصفا را می‌ستاید (همان: ۳). یکی از این ایزدان، هندوان، سوسوتی خدایانوی آب است. «در وداها، خدایانوی آب را واچ یا خدایانوی کلام و سخن خوانده‌اند. واچ ساکن اقیانوس، سرشارکننده آسمان و زمین، و قدرتی است در پس همه پدیده‌ها.» (ایونس، ۱۳۸۱: ۱۵۸) ایرانیان باستان، عناصر مفید و سودمند را که به نحوی در زندگی مؤثر بوده‌است مقدس داشته و ایزدی را نگاهبان آن می‌دانستند. آب یکی از عناصر سودمندی است که بسیار مورد ستایش و نیایش قرار گرفته‌است. (ن. ک. عقیفی، ۱۳۷۴: ۴۰۱) پس از آتش، آب برای ایرانیان مقدس‌ترین عنصر بوده‌است. بنابر عقیده‌ای، همه خلقت در اصل به صورت قطره آبی بود و بنابر نظری دیگر، اصل همه آفریدگان از آب بود به جز تخمه مردمان و چارپایان مفید که از آتش است. (ن. ک. تفضلی، ۱۳۶۷: ۱۸) ایرانیان، آداب و آیینی را در مورد آب رعایت می‌کردند. ایرانیان آب را گرمی می‌داشتند و برای آن مانند سایر عناصر مفید، از قبیل: آتش، باد و غیره، فدیة و نیاز می‌آوردند. دست در آن نمی‌شستند و به کثافات آن را آلوده نمی‌کردند. (ن. ک. عقیفی، ۱۳۷۴: ۴۰۲) نام ایزد آب در ایران باستان، «ناهید» یا «آناهیتا»، بوده‌است. البته «برز ایزد» یا «پام نبات» ایزد حقیقی آب‌ها است اما این ایزد کم‌کم در برابر آناهیتا رنگ می‌بازد و قدرت و ویژگی‌هایش را به این ایزد منتقل می‌کند. (ن. ک. آموزگار، ۱۳۸۷: ۲۲) ایزد بانویی با شخصیتی بسیار برجسته که جای مهمی در آیین‌های ایران باستان به خود اختصاص می‌دهد و قدمت ستایش او به دوره‌های بسیار پیشین و حتی به زمان پیش از زرتشت می‌رسد. این ایزد بانو با صفات نیرومندی، زیبایی و خردمندی به صورت الهه عشق و باروری نیز در می‌آید؛ زیرا سرچشمه حیات از او می‌جوشد و بدین گونه «مادر خدا» نیز می‌شود. او از فراز ابرهای آسمان، به فرمان اورمزد، باران، برف و تگرگ را فرو می‌باراند. (همان: ۲۳-۲۴) نام این ایزدبانو برای نخستین بار در کتیبه‌های اردشیر دوم دیده شده‌است. در دلیل این که ایزد آب را مؤنث پنداشته و ایزدبانو قلمداد کرده‌اند، به خاصیت باروری و فراوانی و زندگی‌بخشی آب بازمی‌گردد. طبیعی است که در بسیاری از دین‌ها، سرچشمه زندگی و باروری را به صورت موجودی مادینه تصور کنند. در ایران، آناهیتا سرچشمه همه آب‌های روی زمین است. او منبع همه باروری‌ها است. نطفه همه نران را پاک می‌گرداند و رحم همه مادگان را تطهیر می‌کند. (ن. ک. هینلز، ۱۳۸۶: ۳۸-۳۹) یکی دیگر از دین‌های ایرانی که آب در آن نقش اساسی داشته، دین مهری است. میترا با تیر و کمان خود، آب از سنگ خارا به در می‌آورد و چشمه‌ای می‌سازد که هیچ‌گاه خشک نمی‌شود. او منشأ نیروی زاینده روی زمین است و آفرینش آب از اوست. (ن. ک. رومازرن، ۱۳۷۲: ۹۷) در باور ژرمن‌ها، آب‌ها برای اولین بار در بهار در سطح یخ ابدی جاری شدند. در نظر آنان نیز آب‌ها نیاکان تمام هستی‌اند. (ن. ک. شوالیه، گبران، ۱۳۷۹: ۲۲)

۲-۳- کهن‌الگوی «آب» در کلیله‌ودمنه

طبق مباحث یادشده در اسطوره‌های ملل مختلف، آب عنصر اولیه است و نقش اساسی در آفرینش دارد و این اهمیت و قداست آن موجب به وجود آمدن اسطوره‌ها و داستان‌های فراوانی پیرامون آن شده‌است و این اسطوره‌ها در آثار ادبی ملل مختلف نیز نمود پیدا کرده‌است. کتاب کلیله‌ودمنه به دلیل این‌که موضوع تعلیمی و از نوع فابل دارد یعنی از زبان حیوانات بیان شده‌است و ضرورتاً همه موجودات و حیوانات برای ادامه حیات خود در کنار آب زندگی می‌کنند، بنابراین می‌تواند بسامد این پدیده در حکایت‌های آن فراوان باشد. نکته اساسی که در رجوع به نمادهای کهن‌الگویی و تطبیق آن در متن باید رعایت شود، این است که این تصاویر در همه مواردی که در یک اثر ادبی وجود داشته باشند، نقش کهن‌الگو را بازی نمی‌کنند و بنا بر نظر گرین و

همکارانش: منتقد محتاط تنها زمانی آن‌ها را کهن‌الگو تفسیر می‌کند که کلّ متن اثر به طور منطقی برداشت کهن‌الگویی را تأیید کند. (ن. ک. گرین و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۶۵) همان‌طور که پیداست هدف ما در این پژوهش بررسی کهن‌الگوی «آب» در کلیله‌ودمنه است. بنابراین در این بخش نمونه‌هایی از ویژگی‌های این کهن‌الگو را که در کلیله‌ودمنه وجود دارد و شامل: ۱- آب رمز حیات ۲- آب رمز مرگ ۳- عبور از رود تصور سمبولیک یک تغییر روته ۴- غوطه‌وری در آب رمزی از تجدید حیات کامل و زایش نو می‌شود، ذکر خواهیم کرد. شایان ذکر است که ویژگی‌های دیگری نیز برای آب وجود دارد که توسط یونگ و دیگر پژوهشگران بیان شده اما در کلیله‌ودمنه وجود ندارد، بنابراین ما تنها ویژگی‌هایی از این کهن‌الگو را که در کلیله‌ودمنه وجود دارد، ذکر کرده و به تحلیل و تفسیر آن پرداخته‌ایم.

۱-۳-۲- آب رمز حیات

آب از آن جمله از پدیده‌هایی است که جنبه‌ای دوگانه دارد، یعنی هم می‌تواند جنبه‌ای مثبت داشته باشد و هم جنبه‌ای منفی. از نظر شمیسا آب می‌تواند رمزی از حیات و زندگی باشد بنابراین جنبه‌ای مثبت دارد. (ن. ک. شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۵۹) از نظر اسماعیل‌پور نیز آب نماد زندگی است. (ن. ک. اسماعیل‌پور، ۱۳۸۷: ۲۰) این ویژگی آب را در حکایت باخه و بوزنه مشاهده می‌کنیم. در این حکایت چشمه‌ای وجود دارد که کهن‌الگوی حیات و سرزندگی را در ذهن تداعی می‌کند، زیرا آن چشمه مایه حیات و زندگی باخه و بوزنه شده‌است و آن دو در کنار آن چشمه در کمال آرامش و خوشی زندگی می‌گذرانند. (ن. ک. نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۲۳۸) در حکایت پیلان و خرگوش نیز چشمه‌ای وجود دارد که این ویژگی آب را دارا می‌باشد و نماد کهن‌الگوی حیات و زندگی برای خرگوشان به شمار می‌رود. در این حکایت چشمه باعث سرسبزی آن ناحیه و روزی خرگوشان شده و خرگوشان فراوانی در کنار آن به خوشی و آرامش زندگی می‌کنند. (همان: ۲۰۲) هم‌چنین این چشمه در این حکایت مایه حیات برای فیلان نیز به شمار می‌رود، زیرا در سرزمین فیلان خشکسالی و بی‌آبی به وجود آمده‌بود، بنابراین موجب کوچ آن‌ها به کنار این چشمه و ادامه حیات و زندگی آنان شده‌بود (همان: ۲۰۵). هم‌چنین این ویژگی آب در حکایت خرگوشی که به حیلت شیر را هلاک کرد، نیز مشاهده می‌کنیم. در این حکایت بیشه سرسبز و پر آبی وجود دارد که خرگوشان فراوانی در آن زندگی می‌کنند اما در آن بیشه شیری نیز زندگی می‌کرد که باعث مرگ و عذاب خرگوشان شده‌بود. به این صورت که هر روز یکی از خرگوشان را به عنوان غذای خود می‌خورد. تا این که نوبت به خرگوش باهوشی رسید و او قصد پایان دادن به این ظلم و انتقام یاران خود را گرفت. خرگوش باهوش با حیله‌ای که اندیشید شیر را به کنار چاه عمیقی که در آن بیشه وجود داشت، راهنمایی کرد. آب آن چاه بسیار پاک و زلال بود و باعث افتادن عکس شیر در آن شد و شیر به گمان این که رقیبی برای او پیدا شده‌است به اشتباه افتاد و به درون چاه رفت تا رقیب خود را شکست دهد، در نتیجه موجب مرگ او و نجات خرگوشان از شر شیر شد و به این طریق خرگوشان جانی تازه یافتند. (همان: ۸۶) در حکایت ماهی‌خوار و خرچنگ نیز این ویژگی آب را مشاهده می‌کنیم. در این حکایت آب‌گیری وجود دارد که ماهی‌خوار سالیان سال در کنار آن زندگی می‌گذراند و مایه حیات خود را از آن به دست می‌آورد. بنابراین آن آب‌گیر می‌تواند نمادی از کهن‌الگوی حیات و زندگی برای مرغ ماهی‌خوار به شمار رود. (همان: ۸۲) ویژگی رمز حیات بودن آب در حکایت سه ماهی که در آب‌گیری بودند، نیز مشاهده می‌کنیم. در این آب‌گیر سه ماهی وجود دارند که مدت‌ها است در آن‌ها زندگی می‌کنند و روزی خود را از آن آب‌گیر به دست می‌آورند. تا این که یک روز صیادان برای صید ماهی به آن آب‌گیر می‌آیند. هر کدام از ماهی‌ها برای نجات خود حیله‌ای می‌اندیشد و ماهی دوم خود را به حالت مرده بر روی آب‌گیر می‌اندازد و صیادان به گمان این که ماهی مرده است از صید آن صرف‌نظر می‌کنند و به این ترتیب آب‌گیر باری دیگر موجب حیات آن ماهی می‌شود. (همان: ۹۱-۹۲)

۲-۳-۲- آب رمز مرگ

همان‌طور که گفتیم آب پدیده‌ای دوگانه است. در قسمت پیشین از رمز حیات بودن آب صحبت شد، در این بخش به رمز مرگ بودن آب می‌پردازیم. از نظر پژوهشگران «آب می‌تواند نمادی از مرگ و رستاخیز به شمار رود. (ن. ک. اسماعیل‌پور، ۱۳۸۷: ۲۰) از نظر شمیسا نیز آب رمز ممات است. (ن. ک. شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۵۹) در حکایت ملک پیلان و خرگوش، چشمه‌ای که در داستان وجود دارد جنبه‌ای دوگانه دارد و در این بخش کهن‌الگوی مرگ و نیستی را به ذهن متبادر می‌کند. همان‌طور که گفتیم در این حکایت چشمه‌ای وجود دارد که خرگوشان فراوانی در کنار آن به زندگی خود ادامه می‌دهند اما در نزدیکی سرزمین خرگوشان سرزمین فیلان وجود دارد که در آنجا خشکسالی به وجود آمده‌است و این امر موجب ورود فیلان به آن منطقه برای استفاده از آب آن چشمه می‌شود. از آنجا که جثه خرگوشان نسبت به فیلان قابل مقایسه نیست و ورود فیلان به آن سرزمین مساوی است با نابودی و له شدن خرگوشان در زیر پای فیلان، بنابراین به نوعی می‌توان این چشمه را نمادی از کهن‌الگوی مرگ و نیستی برای خرگوشان به شمار آورد. (ن. ک. نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۲۰۲-۲۰۵) در حکایت بطی که در آب روشنی ستاره می‌دید، ویژگی مرگ و نیستی آب را مشاهده می‌کنیم. در این حکایت بطی وجود دارد که همیشه در درون آب می‌باشد و از طریق صید ماهی در آب زندگی خود را می‌گذراند. او به دلیل شیفتگی که به آب دارد با دیدن تصویر ستاره در آب به گمان این که آن تصویر نیز ماهی است قصد شکار آن را می‌کند اما پس از چند بار امتحان و ناکام ماندن، دیگر دست از شکار می‌کشد و برای همیشه گرسنه می‌ماند. به این طریق زلالی آب موجب گرسنگی و نیستی و مرگ بط می‌شود. (همان: ۱۰۲) در حکایت مرغ طیوی و

وکیل دریا نیز، ویژگی مرگ و نیستی آب را مشاهده می‌کنیم. در این حکایت مرغ طیطوی هر بار که تخم می‌گذارد دریا آن‌ها با خود می‌برد و باعث نابودی تخم‌های او می‌شود. بنابراین دریا نمادی از مرگ و نیستی به شمار می‌رود. (همان: ۱۱۰)

۲-۳-۳- عبور از رود

همان‌طور که در بحث‌های پیشین گفتیم حالات مختلف آب نیز می‌تواند نمادی از یک کهن‌الگو به شمار رود، از جمله عبور از رود. از نظر یونگ «عبور از رود تصور سمبولیک یک تغییر رویه اساسی است.» (یونگ، ۱۳۵۲: ۳۰۹) در حکایت باخه و بوزنه، عبور از رود نقش کهن‌الگوی گذر و تغییر رویه را ایفا می‌کند. در این حکایت بوزنه‌ای وجود دارد که رئیس بوزنگان به شمار می‌رود که در اثر پیروی دیگر قادر به تأمین مایحتاج خود و دیگر زیردستانش نمی‌باشد. بنابراین مورد جفای دوستانش قرار گرفته و از طرف آنان طرد می‌شود. او نیز به بخش دیگری از رود رفته و در کنار درخت انجیری سکنی می‌گزیند و به ناچار از آن درخت تغذیه می‌کند. یک روز بوزنه به قصد چیدن انجیر بر بالای درخت می‌رود که ناگاه انجیر به درون آب سقوط می‌کند و بوزنه از صدای آن لذت می‌برد. بنابراین به پرتاب کردن انجیر در درون آب ادامه می‌دهد. در زیر درخت باخه‌ای وجود دارد که به گمان این‌که بوزنه آن انجیرها را برای او پرتاب می‌کند، آن‌ها را می‌خورد و محبت بوزنه در دل او جای می‌گیرد و طرح دوستی با بوزنه می‌اندازد. این در حالی‌ست که این دو با یکدیگر دشمنی دیرینه داشته‌اند. تا این‌که روزی زن باخه مریض می‌شود و به باخه می‌گوید طبیب علاج آن را دل بوزنه اعلام کرده‌است. باخه که محبت بوزنه را در دل دارد، بسیار غمگین می‌شود اما چاره‌ای نمی‌بیند جز این‌که ماجرا را با خود بوزنه مطرح کند. یک روز که بوزنه بر پشت او در حال عبور از رود بود که باخه ماجرای زنش را برای او تعریف می‌کند و از او راهنمایی می‌خواهد. بوزنه که به مقصود باخه پی برده بود با حيله‌ای که اندیشید توانست باخه را گول بزند و از آب گذر کند و جان خود را نجات دهد و از چنگ باخه فرار کند. (ن. ک. نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۲۳۸)

۲-۳-۴- غوطه‌وری در آب

غوطه‌وری در آب یکی دیگر از حالاتی است که برای آب می‌توان تصور کرد و در کتاب کلیله‌و‌دمنه نیز وجود دارد. از نظر پژوهشگران غوطه‌وری در آب رمزی از تجدید حیات کامل و زایش نو می‌باشد. (ن. ک. الیاده، ۱۳۸۴: ۱۸۹) در حکایت دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو، این ویژگی آب را مشاهده می‌کنیم. در این حکایت رودی وجود دارد که باخه‌ای در آن زندگی می‌کند. باخه در هنگام خطر فوراً در آب غوطه‌ور می‌شود و به این ترتیب با کمک آب خود را از شر دشمنانش نجات می‌دهد و حیاتی دوباره پیدا می‌کند. بنابراین غوطه خوردن باخه در آب برای او می‌تواند نمادی از کهن‌الگوی تجدید حیات و زایش نو برای او به شمار رود. (ن. ک. نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۱۷۰)

جدول کهن‌الگوی آب در کلیله‌و‌دمنه

ردیف	ویژگی‌ها	تعداد
۱	آب رمز حیات	۶
۲	آب رمز مرگ	۳
۳	عبور از رود	۱
۴	غوطه‌وری در آب	۱

۳- نتیجه‌گیری

کهن‌الگوی آب که از شاخص‌ترین نمودهای تجلی صور طبیعی در ادبیات و اساطیر است، دارای مصادیقی بارز در ادبیات جهان و ایران می‌باشد. این مصادیق را در یکی از مهم‌ترین آثار تعلیمی ادب فارسی یعنی کلیله‌و‌دمنه نیز می‌توانیم مشاهده کنیم. این کهن‌الگو در یافته‌های یونگ و دیگر پژوهشگران با نمودهای مختلف قابل مشاهده‌است که از جمله آن‌ها: ۱- تطهیر روان ۲- شستشو برای نیایش ۳- باروری و فراوانی ۴- آب رمز حیات ۵- آب رمز مرگ و ممات ۶- عبور از رود تصور سمبولیک یک تغییر رویه ۷- غوطه‌وری در آب رمزی از تجدید حیات کامل و زایش نو، می‌باشد. ما در این پژوهش توانستیم چهار ویژگی آن یعنی: ۱- آب رمز حیات ۲- آب رمز مرگ ۳- عبور از رود تصور سمبولیک یک تغییر رویه ۴- غوطه‌وری در آب رمزی از تجدید حیات کامل و زایش نو را در کتاب کلیله‌و‌دمنه به دست آوریم. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که اکثر ویژگی‌های مهم مطرح شده برای

کهن‌الگوی آب توسط یونگ و پژوهشگران، در کلیله‌و‌دمنه نیز وجود دارد و مهم‌ترین کارکرد آن، که همانا رمز حیات بودن آب است، در کلیله‌و‌دمنه نیز به صورت بارزی قابل مشاهده است.

فهرست منابع

کتاب‌ها

- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۷). تاریخ اساطیری ایران، چاپ ۲. تهران: سمت.
- آبرامز، ام‌اچ. (۱۳۸۷). فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی. ترجمه سعید سبزیان. چاپ ۱. تهران: رهنما.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). اسطوره، بیان نمادین. چاپ ۲. تهران: انتشارات سروش.
- الیاده، میرچا. (۱۳۸۴). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. چاپ ۳. تهران: سروش.
- ایونس، ورونیکا. (۱۳۸۱). اساطیر هند. ترجمه محمدرضا باجلان فرخی. چاپ. تهران: اساطیر.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۶). پژوهشی در اساطیر ایران. پاره ۱ و ۲. تهران: آگه.
- پرون، استیون. (۱۳۸۱). اساطیر رم. ترجمه محمدرضا باجلان فرخی. چاپ ۲. تهران: اساطیر.
- تفضلی، احمد. (۱۳۶۷). دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. جلد ۱. (ذیل مدخل آب، مقاله آب در فرهنگ ایران باستان). چاپ. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- جانسون، رابرت الکس. (۱۳۸۸). اسطوره جام مقدس. ترجمه تورج رضا بنی‌صدر. چاپ ۲. تهران: فرگان.
- ژیران، فلیکس، لاکونه، جی و همکاران. (۱۳۸۶). اساطیر آشور و بابل. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. چاپ ۳. تهران: انتشارات کاروان.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۲). داستان یک روح. چاپ ۱. تهران: فردوس.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۳). نقد ادبی. چاپ ۲. تهران: میترا.
- شوالیه، ژان و گریبان، آلن. (۱۳۷۹). فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضایی. جلد ۴. چاپ ۱. تهران: جیحون.
- ضمیران، محمد. (۱۳۸۹). گذار از جهان اسطوره به فلسفه. چاپ ۲. تهران: هرمس.
- قرشی، امان‌الله. (۱۳۸۰). آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی. چاپ. تهران: هرمس.
- کمپل، جوزف. (۱۳۸۹). قهرمان هزار چهره، ترجمه شادی خسروپناه. چاپ ۳. مشهد: گل آفتاب.
- گرین ویلیام، مورگان لی و همکاران. (۱۳۸۵). مبانی نقد ادبی. ترجمه فرزانه طاهری. چاپ ۴. تهران: نیلوفر.
- عفیفی، رحیم. (۱۳۷۴). اساطیر و فرهنگ ایرانی. چاپ. تهران: توس.
- منشی، ابوالمعالی نصرالله. (۱۳۹۲). کلیله‌و‌دمنه. تصحیح مجتبی مینوی. چاپ ۳۹. تهران: امیر کبیر.
- ناس، جان بایر. (۱۳۸۲). تاریخ جامع ادیان. ترجمه علی اصغر حکمت. ویراسته پرویز اتابکی. چاپ ۱۳. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ورمازن، مارتین. (۱۳۷۲). آیین میترا. ترجمه بزرگ نادرزاده. چاپ ۱. تهران: چشمه.
- همیلتون، ادیت. (۱۳۸۷). اساطیر یونان و رم. ترجمه عبدالحسین شریفیان. چاپ ۳. تهران: اساطیر.
- هینلز، جان راسل. (۱۳۸۶). شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار. احمد تفضلی. چاپ ۱۱. تهران: نشر چشمه.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۵۲). انسان و سمبول‌هایش. ترجمه محمود سلطانیه. چاپ ۱. تهران: جامی.
- (۱۳۷۷). تحلیل رؤیاهای گفتارهایی در تعبیر و تفسیر رؤیا. ترجمه رضا رضایی. چاپ ۱. تهران: افکار.

مقاله‌ها

- بارانی، محمد و خانی سومار بهزاد. (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی اسطوره آب در اساطیر ایران و هند». فصلنامه مطالعات شبه قاره. دوره ۵، شماره ۱۷، ۷-۲۶.
- سام خانیان، علی اکبر و ملک پایین، مصطفی. (۱۳۹۱). «تحلیل اساطیری حکایت شیر و گاو در کلیله‌و‌دمنه بر پایه نظریه یونگ و نورتروپ فرای». نشریه زبان و ادب فارسی، نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز. سال ۶۵ شماره ۲۶، ۲۳-۴۸.
- سرمدی، مجید. گرجی، مصطفی، کوپا، فاطمه، صفاری نیا، مجید و مظفری، سولماز. (۱۳۹۲). «بررسی سفر قهرمانی شخصیت در بوف کور با تکیه بر کهن‌الگوهای بیداری قهرمان درون». فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی. سال ۲، شماره ۱، ۵۱-۶۷.
- شریفیان، مهدی و اتونی، بهزاد. (۱۳۹۰). «کهن‌نمونه آب و کارکردهای آن در اسطوره و حماسه». فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج. دوره ۳، شماره ۹، ۱۰۷-۱۳۰.
- قائم، فرزاد، یاحقی، محمد جعفر و پورخالقی مهدخت. (۱۳۸۸). «تحلیل نمادینگی عناصر خاک و باد در اساطیر و شاهنامه فردوسی براساس نقد اسطوره‌ای». نشریه ادب پژوهی. شماره ۱۰، ۵۷-۸۲.
- طغیانی، اسحاق و قربانی رحمان. (۱۳۹۰). «بررسی و تحلیل بازتاب اساطیری آب در شاهنامه فردوسی». نشریه کهن‌نامه ادب پارسی. سال ۲، شماره ۱، ۶۹-۸۶.

Review and analysis of the “water” archetype in Kalila and Demna

Abstract

Water is one of the most amazing constituent of nature which has always been the center of attention among different folks and nations. It has also been much respected for ancient Indians and Iranian, as they have created many myths around it. Kalila and Demna which has an Indian origin and later has been translated to Persian is full of these myths. In this study, using inductive reasoning and based on Jung's finding and other researchers in this field, it has been tried to describe the main characteristics of water archetype and to investigate its importance among different folks. Then, different examples in Kalila and Demna which can be considered as archetype are introduced. Results showed that four characteristics of water have archetypal aspects: 1) water as the secret of life, 2) water as the secret of death, 3) crossing the river is a symbolic thought for changing a manner, and 4) immersing in water is a symbol of rebirth.

Keywords: Archetype, water, Kalila and Demna, Carl Gustav Jung